

## پیام مرکز جهانی / 2 مارچ 2007

دارالانشاء بیت العدل اعظم،

مورخ ۲ مارچ ۲۰۰۷

"... امری دیگر که شایان توجه می‌باشد این است که اگرچه احکام الهیه همگی برای ترقی حیات جامعه و حیات روحانی افراد مهم می‌باشد ولی میزان مسرئولیت اجرای آنها با هم متفاوت است. مثلاً اطاعت بعضی از احکام وظیفه و جدانی شخص است، از جمله احکام مربوط به صلوة و صیام و ادای حقوق الله و یا اطاعت از موازین و ضوابط عالی اخلاقی از قبیل امانت، امتناع از غیبت و غیره. محافل روحانیه (منظور شوراهای محلی یا ملی بهائیان آن که مسرئول اداره امور جامعه بهائی میباشند) نباید در زندگی افراد تفحص نمایند تا بدانند که آیا به این اصول پایبند هستند یا خیر. ولی اگر رفتار و اعمال یک فرد بهائی به درجه ای تنزل نماید که موجب بدنامی امر مبارک (منظور دین بهائی است) گردد، البته محفل روحانی باید مداخله کرده و او را ترغیب نماید که اقدام به اصلاح رفتار خود نماید و وی را از عواقب ادامه سوء رفتار اندازد و اگر چنانچه همراهی ننمود، وی را، بسته به اهمیت موضوع، از یک یا چند وی کلیه حقوق اداری محروم نماید.

از طرف دیگر، اجرای بعضی از احکام مانند دخالت در امور سیاسیّه آنچنان نقش مهمی در زندگی جامعه و روابط اجتماعی دارد که نظارت بر اجرای آنها از جمله وظایف محفل روحانی محلی است و اگر یکی از احباب تخلف نماید و به جبران مافات، بعد از اذنارات متوالی و صبر و شکیبایی و کمک‌های محبت‌آمیز اقدام ننماید، تنبیهاتی اداری نسبت به او می‌تواند اعمال شود."

به این ترتیب معلوم می‌شود طرد، بسته به اهمیت موضوع، درجات مختلفی دارد. قبل از آنکه به آن بپردازیم، لازم است اشاره شود کم و کیف فعلی طرد، با توجه به وضعیت و شرایط کنونی جامعه بهائی در کشورهای مختلف دنیا و کل جهان است و امری موقتی می‌باشد. به این معنی که طرد به شکل فعلی آن، از جمله تنبیهات مطابق چنین وضعیتی است و در آینده بسته به شرایط آن زمان و با توجه به رشد امر بهائی و ازدیاد نفوس، بیت العدل اعظم که به تشریح نفس شارع دیانت بهائی، حضرت بهاء الله، مسرئول رسیدگی به امور روحانی و اجتماعی و اداری دنیای بهائی هستند، تغییراتی در آن خواهند داد. به عنوان نمونه چون در دیانت بهائی از دواج به شکل تک همسری است، از دواج همزمان بایش از یک همسر مجاز نیست، اما جزئیات درباره آن، مثل دیگر جزئیات درباره احکام مختلفه، به حکم و تشریح نفس مقدس حضرت بهاء الله، بر عهده بیت العدل اعظم گذاشته شده است و لذا حضرت شوقی ربّانی، ولی امر بهائی و یگانه جانشین منصوص حضرت عبدالبهاء، درباره متجاوزین از حکم مزبور (یعنی کسی که در آن واحد با دوزن از دواج کرده باشد) میفرماید: "تجاوز از یک زوج و کتمان عقیده با وجود تحذیر و تأکید و نصیحت امنای محفل روحانی، نتیجه اش در این ایام محرومیت از حق انتخاب در جامعه و از عضویت محافل روحانیه است ولی این انفصال (طرد) اداریست، نه روحانی. قرار قطعی و حکم

نهایی راجع به امنای بیت العدل اعظم است."

باتوجه به آنچه عرض شد، میرسیم به انواع درجات طرده که صرف بیان حقیقت آنها، اکاذیب و تحریفات بهائی ستیزان در اینخصوص را کاملاً روشن خواهندکرد و نیازی به هیچ توضیحی باقی نمی گذارد.

در تقسیم بندی ای کلی ، میتوان طرد رابه «طرداداری»، «سلب نسبت» ، و «طردروحانی» تقسیم نمود. محفل ملی بهائیان ایران که در سال ۱۳۶۲ از طرف جمهوری اسلامی ایران تعطیل اعلان گردید و همه اعضا آن در همان سالها به دست جمهوری اسلامی ایران به شهادت رسیدند، خود در توضیحی به مسئولین جامعه بهایی ( محافل روحانیه محلی ) ، انواع طردهای مزبور رابه شرح زیر تشریح فرمودند. عین آنرا تقدیم خوانندگان عزیز مینماید.

### تنبیه اداری

محفل روحانی ملی میتواند بنا به پیشنهاد یکی از محافل روحانیه محلیه یا رأساً فردی رابه علت تخلف یا عدم اطاعت از دستورات و تصمیمات محفل برای مدتی معلوم و محدود از برخی حقوق و مزایای اداری مانند شرکت در انتخابات یا عضویت در محافل روحانیه محروم کند که این مجازات در نظامات بهائی به تنبیه و توبیخ اداری موسوم است و اعمال آن از اختیارات محفل مقدس روحانی ملی است. تنبیه اداری یکفرد ممکن است طبق تصمیم محفل روحانی ملی به جامعه نیز اعلان شود .

### تقاضای حذف نام

افرادی که نامشان در دفتر سجالات امری (منظور سجالات مربوط به جامعه بهائی است) به ثبت رسیده و به بهائی موسوم و معروفند ممکن است به علل و جهاتی تقاضای حذف نام خود را از دفتر سجالات امری بنمایند و تقاضای خود را کتباً به محفل روحانی محل تسلیم نمایند که در این گونه موارد محفل روحانی محل پس از تحقیق و بررسی علت تقاضای حذف نام و ملاقات و مذاکره با متقاضی حذف نام ضمن اظهار نظر، تقاضای این گونه افراد را جهت اخذ تصمیم نهایی طی گزارشی به محفل مقدس روحانی ملی تقدیم می دارد و محفل روحانی ملی هم پس از مطالعه و بررسی دستور مقتضی راجع به سلب نسبت این گونه افراد از جامعه صادر می نماید و نام این گونه افراد از دفتر سجالات امری حذف می شود و جامعه بهائی دیگر آنانرا بهائی نمی شناسد .

باید دانست که با این گونه افراد که با صداقت و صراحت و بدون سوء نیت تقاضای حذف نام نموده اند و با ناقضین (پیمان شکنان) و دشمنان امرالله مرتبط نشده و به مخالفت و اعتراض قیام ننموده اند سلام و کلام جائز است ولیکن از کلیه حقوق و مزایا و تکالیف عضویت در جامعه بهائی محروم خواهند بود. تصویب حذف نام افراد و قبول و اعاده مجدد آنان به جامعه از اختیارات مخصوصه محفل مقدس روحانی ملی است. حذف نام افراد باید به طرق مقتضی به یاران محل مربوطه ابلاغ شود .

## سلب نسبت از امرالله و تبری بوسیله اعلان درجراید

هرگاه فرد مسجّل بهائی به طرّقی از قبیل اعلان درجراید و سایر وسایل ارتباط جمعی و بدون توهین و اهانت به مقدسات دیانت بهائی نسبت خود را از امرالله قطع و تبرّی نماید و نصیحت و دلالت محفل روحانی محلّ و سعی در جبران مافات بی نتیجه بماند چنین شخصی متبرّی از امرالله شناخته می شود و تبرّی او به وسائل مقتضی به جامعه اعلام و نامش از دفتر سجلات امری حذف می گردد و جامعه بهائی او را بهائی نمی شناسد و از کلیه حقوق و مزایای عضویت در جامعه بهائی محروم می شود .

### طرّد اداری

مجازات طرد اداری درباره فرد مسجّلی اعمال می شود که برخلاف احکام و تعالیم الهیه عمل کند و عدم تمسّک در اطاعت خود را به او امر و احکام مبارکه و آراء محافل روحانیه عملاً نشان دهد و به تذکرات و انذارات محفل روحانی محلّ و محفل روحانی ملی وقعی ننهد و به جبران مافات اقدام نکند. فی المثل کتمان عقیده، تعدّد زوجات ، عدم رعایت مقرّرات ازدواج و طلاق بهائی ، ترك انفاق (منظور ندادن نفقه و مخارج همسر است) ، شرب مسکرات ، تَمَرُّد از آراء و تصمیمات محافل مقدّسه روحانیه ، مداخله در امور سیاسیّه علت طرد افراد بهائی می شود . مطرود اداری از حقوق اداری و اجتماعی بهائی مانند شرکت در انتخابات ، عضویت محافل روحانیه و لجنات امریه ، حضور در جلسات ضیافت و تقدیم تبرّعات محروم است .

مجازات طرد اداری باید با کمال دقت و مراقبت انجام گیرد و کاملاً مواظبت شود که حقوق افراد جامعه در نتیجه عجله و شتاب تزییع نگردد. به فرموده هیکلِ اَطَهَر، طرد اداری باعث اخراج قطعی فرد از جامعه بهائی نمی شود و ایمان قلبی او را از وی سلب نمی کند و صرفاً جنبه مجازات دارد و مطرود اداری میتواند با جبران مافات حقوق اداری و اجتماعی خود را مجدداً کسب کند بنابراین مطرود اداری میتواند خود را مؤمن و بهائی بداند و فرائض دینیّه را به جای آورد ولیکن از حقوق و تکالیف اداری و اجتماعی بهائی محروم است. اعمال مجازات طرد اداری که به پیشنهاد محافل روحانیه محلیّه انجام می گیرد از اختیارات مخصوصه محفل مقدس روحانی ملی است. همچنین رفع مجازات از مطرود اداری نیز منوط به تصمیم و تصویب محفل مقدس روحانی ملی است.

### طرّد روحانی

1 ( هرگاه یکی از افراد مُسجّل جامعه بهائی از او امر و نواهی مرکز و مرجع منصوص سرپیچی کند و یا با ناقضین ( پیمان شکنان ) و معاندین امرالله هم عهد و هم داستان شود و یا به مخالفت با امرالله قیام کند و علیه اساس شریعت الله اقداماتی نماید و یا برخلاف عهد و میثاق الهی اظهاراتی کند و به نصایح و انذارات محفل اعتنا ننماید مشمول مجازات طرد روحانی می گردد .

تبصره: افراد مُسَجَّلی نیز که بنا به میل و تصمیم خود تقاضای حذف نام می نمایند ویا درجراید و مطبوعات

وسایر وسایل ارتباط جمعی بدون توهین به مقدّسات بهائی از امر الله تبری می کنند چنانچه بعد از حذف نام وتبری با ناقضین

ومعاندین امر الله هم عهد وهم داستان شوند ویا به مخالفت با امر الله قیام کنند وعلیه اساس شریعت الله اقداماتی نمایند مشمول

مجازات طرد روحانی می گردند.

2) افراد مسجلی که درجراید و مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی صریحاً و اضحاً تبری نمایند و علناً مخالفت کنند و کلمات و عباراتی زشت و نامناسب و توهین آمیز در اعلان نشان بکار برند باید محافل مقدسه روحانیه تحقیق و بررسی نمایند و چنانچه معلوم و مسلم شود که متن اعلان تبری را شخصاً و عالمأ عامداً تهیه و تنظیم و به مطبوعات داده اند اینگونه افراد مشمول مجازات طرد روحانی خواهند شد .

طرد روحانی فرد از جامعه بهائی دارای اثرات و عواقب شدیدۀ روحانی و معنوی است لذا باید در نهایت دقت و مراقبت و پس از بررسی و مطالعه کامل انجام گیرد زیرا پس از طرد روحانی جامعه بهائی فردی را که مشمول این مجازات شده به هیچ وجه بهائی نمی شناسد و او را در ردیف ناقضین عهد و میثاق الهی به شمار می آورد و سلام و کلام و معاشرت با وی را حتی از طرف خویشان و اقربا جائز نمی داند و شخص معاشر با مطرود روحانی هم پس از رسیدگی و تحقیق و ثبوت تخلف و عدم توجه به نصایح و انذارات محفل روحانی مشمول مجازات طرد روحانی خواهد شد .

اعمال مجازات طرد روحانی درباره افراد مشمول بند ۱ و تبصره ذیل آن و رفع طرد آنان از اختیارات مخصوصه بیت العدل اعظم الهی است. اعمال مجازات طرد روحانی درباره افراد مشمول بند ۲ و رفع طرد آنان از اختیارات مفوضه به محفل مقدس روحانی ملی است .

تذکر ۱) در کلیه مواردی که پیشنهاد تنبیه و طرد فرد مسجلی به محفل روحانی ملی می شود محافل مقدسه روحانیه محلیه باید قبل از ارجاع موضوع به محفل روحانی ملی و پیشنهاد مجازات مراتب را به عضو محترم هیئت معاونت مسوؤل منطقه اطلاع دهند تا او هم با فرد مورد نظر ملاقات و نصیحت و دلالت و انذار و تحذیر نماید و چنانچه ملاقات و نصیحت موثر واقع نشد نتیجه ملاقات و اقدامات و نظریه کتبی عضو هیئت معاونت نیز اخذ و ضمیمه راپرت محفل روحانی محلی به محفل روحانی ملی ارسال گردد .

تذکر ۲) محافل روحانیه محلیه باید افرادی را که به علت دخالت در امور سیاسی مشمول مجازات میشوند مراقبت کامل نماید تا چنانچه اینگونه افراد باعث تخدیش اذهان و گمراهی سایر یاران شوند به محفل روحانی ملی گزارش دهند تا بررسی و تصمیم مقتضی اتخاذ شود .

تذکر ۳) اسامی مطرودین روحانی به کلیه جامعه بهائی اعلام می گردد ولیکن افرادی که مشمول سایر مجازات هامی گردند در حال حاضر فقط به جامعه محل سکونت شخص خاطی اعلان می شود .

تذکر ۴) جز با مطرودین روحانی سلام و کلام و معاشرت با افرادی که مشمول سایر مجازات ها شده اند جایز است.

اینک با توضیحات فوق معلوم می گردد برخلاف اکاذیب و تحریفات امثال سیمای جمهوری اسلامی ایران، هیچ فرد بهائی به صرف خروج از دیانت بهائی و یا سلب نسبت و تبرّی و حذف نام، مورد مؤاخذه و طرد قرار نمی گیرد. درحقیقت ورود به و خروج از دیانت و جامعه بهائی کاملاً آزاد و امری شخصی و وجدانی است. همچنین صرف طرد اداری فردی بهائی، به معنی بهائی نبودن و یا قطع ارتباط و سلام و کلام وی با دیگر بهائیان نیست.

حضرت عبدالبهاء جانشین منصوص حضرت بهاء الله می فرماید:

“ وجدان انسانی مقدّس و محترم است و آزادی آن باعثِ اتساعِ افکار و تعدیلِ اخلاق و اطوار و اکتشافِ اسرارِ خلقت و ظهورِ حقایقِ مکنونه عالم امکان است ” . و دیگر آنکه ” مسئولیتِ وجدان که از خصائصِ دل و جان است اگر در این جهان واقع گردد دیگر چه کیفی از برای بشر در روزِ حشرِ اکبر در دیوانِ عدلِ الهی باقی ماند. ضمناً و افکار در حیطة احاطه مالکُ الملوک است نه مملوک، و جان و وجدان بینِ اصبعی ( دوانگشت ) تقلبِ ربّ قلوب است نه مملوک. لذا دونفس در عالم وجود هم افکار در جمیع مراتب و عقاید موجود نه. ” الطُّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ ” ( راه ها به سوی خدا به تعداد انفس خلائق است ) از حقایق این معانی است ” وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَنْسَكًا ” ( برای هر کسی راه و روش عبادتی قرار دادیم ) از دقائق قرآنی. ”

به عنوان نمونه در این خصوص، حضرت شوقی ربّانی، ولی امر بهائی می فرماید:

” و در ختام، انظار یاران ممتحن پر عشق و وفای حضرت عبدالبهاء را به این امر مهمّ و لازم منعطف نمایم و به این نکته متذکّر دارم و آن مواظبت و دقّت تامّ در حفظ حقوق مدنیّه شرعیّه شخصیه افراد است از هر سلك و طایفه و نژاد و عقیده و مقامی. در این مقام امتیاز و ترجیح و تفوّق جائز نه؛ باید در نهایت سعی و دقّت مندون تردّد و ملاحظه ای یاران و برگزیدگان حضرت بهاء الله در محاسبات و معاملات خویش راجع به حقوق اصلیه نوع بشر، ادنی امتیازی بین آشنا و بیگانه و مؤمن و مشرک و مقبل و معرض نگذارند... حقوق مدنیّه و معاملات ظاهره تعلّقی به دیانت و اعتقاد باطنی انسان نداشته و ندارد. افراد در هیأت اجتماعیه چه از موحّدین و چه از مشرکین کلّ در این مقام یکسانند و حقوق شخصیه آنان نزد اصحاب عدل و انصاف محفوظ و مقدس و مسلم... نفس ارتداد و محجوبیت و ترک عقیده، حقوق مدنیّه شرعیّه افراد آزاد را به هیچ وجه من الوُجوه به قدر سمّ ابرّه ( سوراخ سوزن ) تخفیف و تغییری ندهد، و الا اهل بهاء ( بهائیان ) بساط پیشینیان را در این قرن مُشعشع نورانی دوباره بگسترانند و آتش تعصّب و همیه جاهلیّه را در صدور برافروزند و خود را از مواهب جلیله این یوم موعود محروم سازند و تأییدات الهیه را در این روز فیروز از ظهور و بروز بازدارند. حیف است ذیل تقدیس را به این اوهام و شئون ناشایسته آلوده نماییم. ”